

دوفصلنامه مطالعات شبه‌قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال ۱۳، شماره ۴۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ (صص ۱۹۵-۲۱۲)

شیوه‌های اجرایی و بیانی تعزیه در ایران و هند

علیرضا طاهری^۱ حیب کاظم‌نژادی^۲

چکیده

تعزیه یا تعزیت مراسم نمایشی و آیینی شیعی است که برای گرامیداشت و سوگواری شهدای عاشورا و اظهار همدردی و همزادپنداری با اصحاب و اهل بیت امام حسین^(ع) به کار برده می‌شود. نمایش تعزیه، ریشه در ادبیات اسطوره‌ای، ملی و دینی دارد و با مایه‌های روضه‌خوانی، نقالی و پرده‌خوانی همراه است. تعزیه و هنرهای اقماری آن در ایران و هند دارای شیوه‌های خاص بیانی بوده و با شرایط محلی و جغرافیایی خود انطباق یافته‌اند، ولی سرچشمه واحدی دارند. سؤال تحقیق این است که تعزیه در ایران و هند با چه شیوه‌های اجرایی بیان شده است؟ با توجه به پیشینه فرهنگی دو تمدن ایران و هند، مسلماً شیوه نمایشی تعزیه بین مسلمانان این دو کشور دارای ارتباطی تنگاتنگ بوده و متأثر از یک فرهنگ واحد دینی می‌باشد. هرچند که تفاوت‌هایی به لحاظ شیوه‌های اجرایی بین آنها دیده می‌شود. غایت برپایی این مراسم در هردو کشور احیاء و انتقال فرهنگ عاشورایی به نسل‌های بعد بوده است. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی انجام شده و هدف از آن شناخت اشتراکات و وحدت عقیدتی در بیان شعائر عاشورایی در قالب تعزیه بین دو تمدن بزرگ شرق است.

واژه‌های کلیدی: امام حسین^(ع)، عاشورا، نمایش، تعزیه، ایران، هند.

۱- مقدمه

تعزیه نمایشی آیینی است که ریشه در آیین، سنن و مذهب دارد. تعزیه از گونه‌های نمایش‌های آیینی و عامیانه است که برای عزاداری و پاسداشت بزرگان و شخصیت‌های مذهبی و ملی شکل گرفته

۱. استاد دانشکده هنر و معماری دانشگاه سیستان و بلوچستان

۲. استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول) Email: h.kazemi@arts.usb.ac.ir

و متون آن از ادبیات حماسی و مذهبی بهره برده است. سوگواره‌های آیینی ملی همچون سوگ سیاوش را می‌توان از نمونه‌های تأثیرگذار بر نمایش‌های تعزیه دانست. با وجود این، تعزیه و عزاداری برای امام حسین^(ع) و یاران ایشان در روز عاشورا و روایت‌های حاشیه‌ای آن، باعث شهرت آیین نمایشی تعزیت و تعزیه در جامعه شد.

۱-۱- بیان مسئله و سؤال تحقیق

نمایش تعزیه ظاهری اسلامی دارد، ولی اصالت آن ایرانی است و میراث اسطوره‌ای و آیینی پارسی است. ویژگی این نمایش آن است که صراحت و انعطاف را با حقایق کلی درهم می‌آمیزد و با یگانه‌ساختن هنر عامیانه، مرز بین تماشاگر و بازیگر را برمی‌دارد و تماشاگر خود بخشی از نمایش می‌شود.

عادات و رسوم و فرهنگ سوگواری در پیش از اسلام در عزای شخصیت‌هایی، همچون «سیاوش» برگزار می‌شده است. تعزیه و سوگواری امام حسین^(ع) به‌عنوان پاک‌ترین، مظلوم‌ترین و والاترین شهید تاریخ از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در فرهنگ ایران و هند و در ادبیات اسطوره‌ای، آیین سوگواری برای بزرگداشت بزرگان و قهرمانان ملی برگزار می‌شده و شرح برخی از آن‌ها به‌صورت نظم و نثر بیان شده است. با این حال، شیوه‌های اجرایی تعزیه در بین هندیان مسلمان و ایرانیان دارای تفاوت‌هایی است، هرچند که دارای ریشه مشترکی هستند. این موضوع در برخی موارد باعث خلق شیوه‌های بیانی و اجرایی بدیعی نیز شده است که بررسی این شیوه‌های اجرایی و بیانی، مسئله تحقیق حاضر است.

۲-۱- اهداف و ضرورت تحقیق

گسترش تشیع در هند، مرهون مراسم سوگواری و تعزیت سیدالشهدا است. با ورود اسلام به هند از طریق ایرانیان مسلمان‌شده، بخشی از آیین‌ها و مراسم سوگواری به‌ویژه نمایش تعزیه و پرده‌سازی نقاشی‌های روایتی عاشورایی به آن سرزمین راه پیدا کرد. هدف این مقاله بررسی شیوه‌های برگزاری تعزیه در ایران و هند و تأثیر آن در احیای مضامین و شعائر عاشورایی است.

۳-۱- روش تحقیق

این تحقیق به روش توصیفی انجام شده و در برخی موارد از تحلیل نیز استفاده شده است. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای بوده و داده‌ها از طریق کتاب‌ها و سایت‌های معتبر جمع‌آوری شده‌اند.

۱-۴- پیشینه تحقیق

در زمینه تعزیه، آثار مختلفی به چاپ رسیده که به ابعاد کلی موضوع و تاریخ آن به صورت جداگانه پرداخته‌اند، در اینجا به ذکر چند مورد از آن‌ها بسنده می‌شود:

- عباس خدوم جمیلی نویسنده کتاب «تعزیه در عراق و چند کشور اسلامی» (فرهنگستان هنر، ۱۳۸۵) در آن به توصیف مراسم و خلاصه‌ای از تاریخ عزاداری و ماهیت تعزیه در عراق و برخی از کشورهای اسلامی و کشورهایی که در آن‌ها شیعیان مراسم تعزیه و عزاداری امام حسین^(ع) را انجام می‌دهند، پرداخته است. وی ارتباط بین عزاداری کشورهای اسلامی و مسلمانان شیعه در کشورهای دیگر به‌ویژه در شبه‌قاره هند مورد نظر قرار داده است.

- تاجبخش فناپیان، در کتاب «تراژدی و تعزیه» (دانشگاه تهران، ۱۳۸۹) به شرح تراژدی از نظر کلی اهتمام ورزیده و سپس تعزیه را به‌عنوان نمایش تراژیک مورد بررسی قرار داده است. وی تعزیه را نمایشی آیینی می‌داند که ریشه در آیین‌های نمایشی و اسطوره‌ای ایران قبل از اسلام دارد. - پیترجی. چلکووسکی در کتاب تعزیه «آیین و نمایش در ایران» (سمت، ۱۳۸۹) نیز به توصیف نمایش و انواع آن در ایران پرداخته است و نمایش‌های آیینی و به‌ویژه تعزیه را مورد بررسی تاریخی و ماهیتی قرار می‌دهد. سابقه تاریخی نمایش‌های آیینی و پهلوانی-اسطوره‌ای ایران در ادوار تاریخی نیز مورد بحث چلکووسکی است.

- ته‌مینه رئیس‌السادات در مقاله‌ای با عنوان «بررسی آیین‌های سوگواری در روزگار بوییان» (فصلنامه تاریخ نو، ۱۳۹۵) آیین‌های عزاداری در دوران آل‌بویه را مورد مذاقه و بحث قرار داده است و سوگواری در میان امیران و مردمان عادی در این دوره را توصیف می‌کند. وی اینکه امیران و فرمانروایان بویه تا چه اندازه در برپانگه‌داشتن فرهنگ عاشورا و توجه به مزارات و قبور ائمه شیعه از خود توجه و جدیت نشان می‌دادند نیز مورد توجه قرار داده است؛ هرچند که آن‌ها در این زمینه با مخالفت‌هایی از جانب مذهب غالب مسلمانان یعنی اهل تسنن روبه‌رو شده بودند.

۲- تعزیه و شبیه‌خوانی

به‌لحاظ ریشه‌شناسی لغت یا علم اتیمولوژی «تعزیه، از ماده «ع ز ی» به معنای صبر و شکیبایی کردن است» (المنجد، ۱۹۷۸: ۱۵۶). این واژه در فرهنگ و ادبیات مذهبی مسلمانان، به‌ویژه شیعیان، به معانی گوناگون دیگر به‌کار می‌رود. «عزا و سوگ، مجلس عزاداری و روضه‌خوانی، نوحه‌سرایی در مرگ و شهادت امامان و معصومین، به‌ویژه سیدالشهدا امام حسین^(ع)،

همدردی با مصیبت‌دیدگان و تسلیت‌گفتن و سرسلامت‌دادن به بازماندگان ازدست‌رفته، از رایج‌ترین معانی و مفاهیم این واژه است» (بلوکباشی، ۱۳۸۳: ۲۳).

در فرهنگ فارسی محمد معین، ذیل کلمه «تعزیه» چنین آمده است: «تعزیه در لغت به معنای عزاداری کردن است به مفهوم مطلق، ولی برپاداشتن مجلس عزاست برای حسین بن علی^(ع) به‌طور اخص، همچنین نمایش‌دادن وقایع کربلا و حوادثی که بر سر بعضی ائمه اطهار^(ع) آمده، نمایش مذهبی است باعنوان شبیه‌خوانی». در زبان اردو «تعزیه» به معنای تربت، ضریح و عمارت روضه و «تعزیه‌دار» به معنای ماتم‌دار و سینه‌زنی‌کردن «سازنده تعزیه و سازنده علامت شبیه برای سوگواری و سینه‌زن و عزادار» (چوهدری، ۱۳۷۵: ۱۷۴) و در بنگال به معنای «محمل شتر یا عمارت فیصل به‌کار می‌رود» (المنجد، ۱۹۷۸: ۲۷۱-۲۷۲).

«در میان شیعیان غیرایرانی (در عراق و شبه‌قاره هند) لفظ تعزیه با وجود ارتباط با مصائب کشتگان کربلا، به معنای «شبیه‌خوانی» به‌کار نمی‌رود» (شهیدی و بلوکباشی، ۱۳۸۰: ۱۴۲)؛ بلکه آنان تعزیه را مراسمی نمادین می‌دانند که در آن «دسته‌های عزاداری در طول مراسم، شبیه ضریح یا تابوت حسین بن علی^(ع) را بر دوش کشیده و در پایان روز عاشورا و همچنین اربعین آن را به خاک می‌سپارند» (جعفری و دیگران، ۱۳۷۳: ۶۵).

۳- تعزیه به‌عنوان نمایشی آیینی در ایران

مسئله عزاداری در مصیبت‌های امام حسین^(ع) و خاندان و یارانش در واقعه عاشورا باعث آفرینش نمایش تعزیه شده است. تعزیه ریشه در زمینه‌های موضوعی مختلفی دارد: مذهب، تاریخ، ادبیات، مردم‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و... ولی آنچه بیشتر در تعزیه نمود پیدا می‌کند مفهوم مذهبی، شیوه ادبی و اشعاری، جنبه‌های موسیقایی و آوازی در قالب نمایشی است. در این گونه نمایش مردمی، تماشاگر خود نیز بازیگر است و دیگران را نیز به واکنش‌های احساسی برمی‌انگیزاند.

«تعزیه به‌واسطه کارایی نمایشی فراگیر خود، ارزش‌های اعتقادی عامیانه جامعه را نمایانده و بیان تأثیری بخشیده است؛ یعنی، مفهوم «شبیه» به افکار جامعه‌ای ارتباط و پیوستگی مستقیم دارد که آن را ارائه کرده است. به‌دلیل اینکه آن جامعه، سوگوار قهرمانان خود است. تنها از طریق فهم بنیادهای مفهومی و عملی تاریخ و در محیط هر دوره خاص، فلسفه تعزیه فهمیده می‌شود. چنین

فهمی، اصول اخلاق آن را درباره حقیقت و زیبایی روشن خواهد ساخت» (خدوم جمیلی، ۱۳۸۵: ۱۹).

ارتباط میان تماشاگر و بازیگر در تعزیه در میان سنن نمایشی، جهان بی‌نظیر است. این همان خصیصه‌ای است که صور بازنمایی ویژه‌ای را که در نمایش تعزیه تجسم می‌یابند، کاملاً توجیه می‌کند. «ارتباط خاص تماشاگران تعزیه در این است که تماشاگران تعزیه تقریباً هم در بطن نمایش قرار دارند و هم در بیرون آن. آن‌ها هم در صحرای کربلا هستند و به گونه‌ای نمادین نقش لشکریانی را که امام حسین^(ع) و یاران باوفایش را در محاصره گرفته‌اند، می‌آفرینند و هم در عین حال، در جهان واقعی خود، به دلیل این واقعه سوگواری می‌کنند و این به معنای «چند حضوری» است؛ یعنی در آن واحد در چندین مکان و چند زمان مختلف تماشاگر با متن تعزیه حضور پیدا می‌کنند. بازیگران این نمایش، تأسف و اندوه خود را از طریق متن اجرای گفتاری بیان می‌دارند؛ ولی در میان تماشاگران نیز کسانی هستند که با صراحت و قدرت و گاه خشونت ابراز اندوه و سوگواری می‌کنند و جایشان در بازآفرینی اجرا خالی است. بدین سان، آن‌ها گوشه‌ای مورد نیاز از ماجرای نمایش را تکمیل می‌کنند. بیان صریح ماجرا، اندوه تماشاگران در تجارب زندگی روزانه‌شان را دامن می‌زند و نمایش وقایعی که آن‌ها در تکیه تماشا می‌کنند، باعث می‌شود تا اندوه و غم‌شان را بیرون ریزند. درحقیقت، تماشاگر ترغیب می‌شود که بر معاصی و مشکلات خود بگریزد و به خاطر داشته باشد که مصایب امام حسین^(ع) و یارانش چقدر عظیم بوده است» (چلکووسکی، ۱۳۸۹: ۴۵).

شبهه‌خوان‌های تعزیه موضوعات خود را به شعر و آواز از روی نسخه می‌خوانند. «تعزیه بیشتر در خیابان اجرا می‌شود و برخی مواقع در مساجد، کاروانسراها، تکیه‌ها و حسینیه‌ها. تکیه فضای محصور بوده با سکویی در وسط آن، به ابعاد ۱۰ متر در ۱۰ متر؛ به طوری که اسب و شتر بتواند روی آن راه برود. دور سکو جای نشستن تماشاچیان و ردیف‌های جلو مخصوص مردها بوده است. اعیان و اشراف نیز در غرفه‌های طاق موسوم به شاه‌نشین می‌نشستند و در عین حال می‌شد به راحتی دور سکو گشت» (رازی، ۱۳۹۰: ۱۱۵).

صحنه‌های دیگری از تعزیه‌خوانی نیز به توصیف درآمده است، در تعزیه شهادت برخی از بنی‌هاشم مانند: حضرت علی اکبر^(ع)، طفلان حضرت زینب^(س) و حضرت علی اصغر و حضرت عباس^(ع) و شهادت جانسوز امام حسین^(ع) به دست شمر به معرض تماشا درمی‌آمده است.

به‌لحاظ تاریخی، شروع رسمی عزاداری شهدای عاشورا را از دورهٔ دیلمیان می‌دانند. «آلبویه در دوران تسلط بر بغداد زیر نظر خلیفهٔ عباسی و فقیهان سنی مذهب به گرایش مردم نسبت به عزاداری در نخستین دههٔ محرم نقش مهمی ایفا کردند و نوحه‌خوانی بر سر قبر امام حسین^(ع) از این زمان معمول شد. در زمان آلبویه، عزاداری به صورت گریهٔ دسته‌جمعی در محل‌های معین و همراه با دسته‌گردانی و سینه‌زنی اجرا می‌شد» (همایونی، ۱۳۸۰: ۴۸). مردم در روز عاشورا جامه‌های سیاه پوشیده و بر سر و سینه زده و با شیون و نوحه و مویه عزاداری می‌کردند. با تثبیت حکومت صفویان و رسمیت‌یافتن مذهب تشیع در سراسر کشور، عاشورا و مراسم عزاداری آن کیفیت، شدت و گسترهٔ بیشتری پیدا کرد.

فناویان به نقل از سرهنگ گاسپار دروویل (که در سال ۱۱۹۲ شمسی به تهران آمده بود)، در رابطه با مراسم تعزیه می‌نویسد: «تعزیه تشریفات و مراسم عزاداری خاصی است و اشک از دیدگان پیروان حضرت علی^(ع) روان می‌سازد. پیش از ظهر نه روز اول ماه محرم، صحنه‌های مختلف فاجعهٔ مزبور و روز دهم، شهادت جانگداز امام حسین^(ع) نمایش داده می‌شود... در ایام محرم در ایران جز شیون و زاری و تکرار نام حسین^(ع) چیزی به گوش نمی‌رسد. دسته‌های عزادار، سروسینه‌زنان به صورت گروه‌های پنجاه نفری و با لباس‌های سیاه، یا حسین‌گویان از کوچه‌ها می‌گذرند» (فناویان، ۱۳۸۹: ۱۰).

نمایش تعزیه به شکلی که اکنون شناخته می‌شود، نمایشی است که در آن چندین شبیه‌خوان ملبس به لباس‌هایی با شکل، دوخت و رنگ‌های نمادین و تهیج‌کنندهٔ احساسات، بر اساس نسخه‌ای مشخص و گاه بدیهه‌خوانی با موسیقی و حرکت و آواز و اداهای گوناگون و همچنین استفاده از وسایل خاصی، هر صحنه از ماجرای عاشورا را به اجرا درمی‌آورند تا علاوه بر تسکین آلام مؤمنین بیننده به احیای این واقعه تاریخی مذهبی بپردازند. این شیوه به صورت منسجم در دورهٔ زندیه آغاز شد و در دورهٔ قاجاریه به شکوفایی رسید.

تعزیه در برخی مناطق به صورت ثابت در مکانی خاص اجرا نمی‌شده است، بلکه در پاره‌ای از جاها این فرم نمایشی با حرکت در مسیرهایی خاص به حمل علم و کتل و تابوت یا ضریح و حرکت اسرای کربلا (گاه سوار بر شتر و گاه پیاده) و بر سر کردن سرهای بریدهٔ شهدا بر نیزه‌ها، به اجرای مراسم در محله‌ها می‌پرداختند که به نوعی، تعزیه‌گردانی به مفهوم گرداندن تعزیه در شهر یا روستاست. این معنی (حرکت و گردش تعزیه در محلات و قراء) را نباید با تخصص

تعزیه‌گردانی (در مفهوم کارگردانی تعزیه) اشخاصی همانند معین‌البکاء که به تعزیه‌گردان مشهور بودند، اشتباه گرفت.

۴- اجرای تعزیه

نمایش و نحوه اجرای تعزیه در همه‌جا اعم از شهر یا روستا در محل مخصوص یا میدان در فصل زمستان یا تابستان با هر تعداد تعزیه‌خوان به سهولت انجام‌پذیر بوده است و ابزارآلات، وسایل و نحوه اجرای مخصوص به خود دارد و برای اجرای آن زمان، مکان، دوری و نزدیکی معنی و مفهوم خود را از دست می‌دهد. «در تعزیه بعضی حرکات تخیلی صرف هستند، مثل: جنگ‌ها یا حضور صف اجنه در دشت کربلا برای یاری‌دادن به امام حسین^(ع) یا نزول فرشتگان در تعزیه عروسی قریش به حرمت حضرت فاطمه^(س). بعضی از ابزار و اشیایی که در تعزیه به‌کار گرفته می‌شوند، واقعی هستند؛ نظیر: اسب، شمشیر، سپر، حتی گسترده سفره و خوردن غذا در ضمن اجرای نقش. در تعزیه‌هایی که ایجاب می‌کند، بعضی از ابزار نیز نمادین هستند؛ مانند: نگین انگشتری عقیق یا فیروزه که نشان از چشمه یا شاخه‌ای که نشان از درخت دارد یا ظرف آب که نشان از رود فرات یا رنگ قرمز که بر روی لباس پاشیده شده و پارچه‌های سفید که نشان از کفن‌پوشی، شهادت و جراحت دارد. در تعزیه، رنگ لباس‌های اشقیاء، سرخ و فاخر؛ لباس‌های ائمه^(ع) ساده و به رنگ سبز؛ اهل حرم با روئند و لباس مشکی؛ قاصد، لباس درویش و رهگذر نیز به رنگ زرد است» (همایونی، ۱۳۸۰: ۴۰۸).

چلکووسکی معتقد است که «برای بازشناسی ارزش‌های نمایشی و اصالت تعزیه، آنچه شیلر، نمایش‌نامه‌نویس، شاعر، مورخ و فیلسوف آلمانی از نمایش‌نامه‌نویسی به دست آورد و والسر کاملش کرد، تنها در مورد نمایش‌های رئالیستی (که از انسان‌های معمولی و مسائل آن‌ها بحث می‌کنند) معتبر است. حال آنکه، تعزیه نه رخدادی معمولی است و نه شخصیت‌های انسان‌های معمولی هستند. آن‌ها انسان نیستند که بتوان ویژگی‌های ضعف و قوت را در ایشان یافت، بلکه نماد هستند و مظهر و نشانه. به‌همین دلیل، واقعه کربلا نیز رخدادی معمولی نبوده است. روایت تعزیه در نهایت شرح ستیز مردی به نام حسین بن علی^(ع) با کسی به نام یزید بن معاویه که امام حسین^(ع) در ماه محرم سال ۶۱ هجری بر ضد خلافتش جنگید، نیست. روایت تعزیه حکایت ازلی و ابدی مظلوم و ظالم، دلیر و ترسو، زاهد و فاسد، حیات اخروی و عالم مادی، بهشت و جهنم و حکایت خیر و شر است» (چلکووسکی، ۱۳۸۹: ۲۰۴).

۵- تعزیه در هند

تعزیه‌گردانی در هند نیز رواج یافته بود؛ به‌طوری‌که میرعبداللطیف‌خان شوشتری که در سال ۱۲۰۳هـ/۱۷۸۸م. به هندوستان سفر کرده بود، گزارشی از رسم مشابه تعزیه‌گردانی در ماه محرم در میان دو گروه هندو و شیعه در تحفة‌العالم آورده است: مردم و اعظم و متمولین هندو که بویی از مسلمانی و بانگ محمدی نبرده‌اند، تعزیه‌خانه‌های عالی به تکلف دارند. در ماه محرم رخت سوگواری پوشند و ترک لذات کنند و شب‌ها و روزها به زبان هندی و فارسی مرثیه‌خوانی و سنگ‌زنی کنند و شبیه به ضرایح مقدسه از چوب یا کاغذ سازند و بر خاک غلطند و نزد آن‌ها به سجده روند و طلب مطالب کنند. بعد از انقضای ایام عاشورا آن‌ها را یا در رودخانه غرق کنند، یا در جایی معین دفن کنند و آن را کربلا گویند. مسلمانان نیز در بنگاله و سایر بلاد اسلام، تقلید ایشان در آن حرکات کنند (شوشتری، ۱۳۶۳: ۴۳). بیشتر مورخان بر سر این نکته توافق دارند که گرامیداشت یاد حسین‌بن‌علی^(ع) در هند از قرن دوازدهم هجری آغاز شد. در این دوره مردم هند تحت تأثیر قطعی مراسم مربوط به واقعه کربلا که در ایران انجام می‌شد، بودند.

واژه تعزیه، در هند دارای مفهومی متفاوت است که نه به تئاتر یا درامی که بر صحنه اجرا می‌شود، بلکه به موضوع واقعی، یعنی بازآفرینی کوچک قبر امام حسین^(ع)، اطلاق می‌شود. این قبر نمادین، در دسته‌های عزاداری ماه محرم با تمهیدات متنوع نمادین، که تداعی‌گر وقایع کربلا هستند، بر دوش‌ها حمل می‌شود. مراسم تعزیه‌داری را نخستین بار تیمور لنگ در هند باب کرد. امپراطوران تیموری، این رسم را با جدیت رواج دادند که به تدریج مورد پسند توده‌ها واقع شد. تظاهرات یا دسته‌روی، با تحریک شور و شوق عظیم مذهبی به صورت واقعه‌ای تماشایی درآمد.

در هند و برخی حوزه‌های جغرافیایی-فرهنگی دیگر جهان، مانند عراق، «تعزیه به تابوت‌واره یا هیکلی تمثیلی از گور، ضریح، گنبد و بارگاه امام حسین^(ع) در کربلا گفته می‌شود. این صندوق تمثیلی را در شمال هند «تعزیه» و در جنوب هند «تابوت» می‌نامند» (Hollister, 1979: 166).

ساختمان، شکل، جنس، اندازه و نوع آرایه‌ها و نقش‌ونگارهای تزئینی تابوت‌واره‌های تعزیه در هر سرزمین و شهر و ناحیه با هم فرق می‌کنند. نظام باورهای مردم شیعه هر حوزه فرهنگی و تأثیرپذیری از فرهنگ‌های دیگر، به‌ویژه از گروه‌های قومی-مذهبی مجاور خود، به نحوی آشکار در چگونگی شکل ساختمان و آرایه‌بندی تعزیه‌ها و در شیوه و رسم عزاداری و تعزیه‌گردانی اثر

بخشیده است. تعزیه‌هایی که در بخش‌هایی از میان‌رودان (بین‌النهرین)، مانند کربلا رایج است، معمولاً به شکل صندوقی مربع یا مربع مستطیل با سقفی دوشیبی یا تخت و تقریباً شبیه ضریح زیارتگاه و به اندازه‌های بزرگ و کوچک ساخته شده‌اند.

«استخوان‌بندی و دیواره‌ها و سقف این تعزیه‌ها بیشتر از جنس چوب و ستون‌های آن‌ها گاهی از فلز است. رویه دیواره و سقف آن‌ها کنده‌کاری شده و با کاغذهای رنگین و گل‌وبته‌های کاغذی زرین و نقره‌ای پوشیده و روی برخی از آن‌ها شعرهای مذهبی نوشته شده است. برخی از تعزیه‌ها را نیز ساده و بی‌نقش‌ونگار می‌سازند و در محرم آن‌ها را با روکش شال یا زری و پارچه‌های سیاه و سبز می‌پوشانند و با شاخه‌های گل و گیاه و شمع و چراغ و انواع گوه‌رها می‌آرایند» (بلوکباشی، ۱۳۸۳: ۲۴).

تعزیه در هند فقط به تابوت یا صندوق‌های نمادین ضریح اطلاق نمی‌شده، بلکه همانند ایران، نمایش‌های سوگواری نیز با همین عنوان نامیده می‌شده است. همایونی به نوشته آنه‌ماری شیمل اشاره کرده و از قول وی می‌نویسد: «در قرن ۱۳ ه.ق. ۱۹۷۰م. در قلمرو سلطنت اوده در لکهنوی هند، تعزیه به منزله یکی از تماشایی‌ترین نمایش‌ها، در حضور سلاطین برگزار می‌شد. وی مشخص نمی‌کند که این نمایش تماشایی چه بوده و چه عناصری داشته‌است» (همایونی و صباحی، ۱۳۸۲: ۲۹۷).

در هندوستان، مراکز اصلی عزاداری لنکو است. این مراسم در دوران حکومت شاهان اوده ریشه گرفت. در این دوره، علاوه بر امام‌بارها (عزاخانه‌ها)، امام‌بار بزرگ «عاصف‌الدوله»، «حسین‌آباد» و «شاه‌نجف» بر دست شاهان «اوده» ساخته شد. «شاهان اوده در رشد تشیع نقش بسیار مهمی داشتند. آن‌ها کارهای اجتماعی و فرهنگی انجام دادند. در زمان قدیم، برای گسترش و تبلیغ مذهب حق، عزاداری امام حسین^(ع) ابزار مهمی به‌شمار می‌رفت. شاهان اوده این عزاداری را بسیار گسترش دادند. آن‌ها حسینیه‌ها و مساجد ساختند که از مراکز علمی و فرهنگی به‌شمار می‌رفتند» (رضوی، ۱۳۸۸: ۴).

نوابان اوده از خاندانی شیعه ایرانی‌تبار بودند که نسبت خود را به امام کاظم^(ع) می‌رساندند. میر محمد امین موسوی بنیان‌گذار سلسله نوابان اوده بود که با استفاده از ضعف حکومت مرکزی و یاری گروهی از مسلمانان، قدرت برتر هندوان را در اوده از میان برد. او فیض‌آباد را به‌عنوان تخت‌گاه خود برگزید. پس از مرگ وی برادرزاده‌اش منصور با لقب صفدرجنگ به حکومت

رسید. او در ۱۱۵۲هـ.ق/۱۷۳۹م. وزارت امپراتوری مغولان هند را یافت و افزایش نفوذ نواب اوده در دستگاه حکومت مرکزی، باعث گسترش نفوذ ایرانیان در دستگاه حکومت مغولان هند شد. او سخت پایبند رعایت آداب مذهبی بود (هالیستر، ۱۳۷۳: ۱۷۱).

عزاداری، مهم‌ترین کار فرهنگی شاهان اوده برای گسترش تشیع بود. در مهم‌ترین مرکز عزاداری، یعنی اوده، فقط شیعیان عزاداری نمی‌کردند، بلکه عزاداری به همه طبقات تعلق داشت. شاهان اوده ماه محرم را تعطیل رسمی اعلام کردند. هندوها نیز تعزیه‌داری می‌کردند و وقتی به حسینیه‌ها می‌رسیدند، سر را مؤدبانه خم می‌کردند و همراه شیعیان بر فرش عزا می‌نشستند. مسیحی‌ها و مجوسی‌ها نیز پابره‌نه و سربره‌نه در مجلس عزا شرکت می‌کردند (تصدق، ۱۳۶۵: ۲۴). گسترش تشیع در جنوب هند را به شاه‌طاهر اسماعیل نسبت می‌دهند که به دلایل سیاسی، پادشاه هند را به پذیرفتن مذهب تشیع ترغیب کرد. به این علت، جنوب هند عملاً محلی برای تجمع بسیاری از محققان ایرانی شد که در زمینه رخداد کربلا، زندگی امام حسین^(ع) و سایر رهبران شیعی و نیز درباره‌ی اجراهای نمایشی از مصیبت امام حسین^(ع) به تحقیق می‌پرداختند؛ یعنی همان اجراهایی که در زبان هند «عزاداری» نامیده می‌شد.

«اولین عزاداری امام حسین^(ع) به زبان اردو در آغاز قرن دوازدهم هجری برگزار شد. به استناد مدارک موجود، غلام محمد جیرانی، مشهورترین مصنف چنین عزاداری‌هایی بوده است. همچنین اولین نویسنده و مورخ هندی که به زبان اردو به مصیبت پرداخت، ثابت علی‌شاه (۱۷۴۰-۱۸۱۰م) بود.

در هند اجراکنندگان مراسم عزاداری را «نوحه‌خوان» یا «روضه‌خوان» می‌نامند و خود اجراها را نیز «زیارت» می‌خوانند. زیارت از یک سو ترکیبی از اجرای واقعه‌ی شهادت امام حسین^(ع) و از سوی دیگر، روایت وقایع تاریخی - عمدتاً وقایع تاریخی - مذهبی - از زبان یک روایتگر است. این اجراها مانند آنچه در ایران و عراق مرسوم است، فقط در ماه محرم به صحنه نمی‌روند، بلکه مردم در ایام دیگری نیز مانند چهلمین روز شهادت امام حسین^(ع) شاهد آن هستند» (خدوم جمیلی، ۱۳۸۵: ۶۴).

در برخی از سفرنامه‌های دیگر نیز به مراسم عزاداری محرم نیز پرداخته شده است؛ از جمله جیمز موریه که در سفرهایش به ایران (۱۲۲۳-۱۲۲۴هـ.ق/۱۸۰۸-۱۸۰۹م و ۱۲۲۵-۱۲۳۰هـ.ق/۱۸۱۰-۱۸۱۵م)، گزارش‌هایی از حمل تابوت‌واره‌ها توسط هندی‌ها در مراسم عزاداری

محرم در تهران می‌دهد. وی در سفرنامه نخستین خود به عزاداری هندیان در روز ۸ محرم و حمل ضریح آذین بسته کوچکی که در آن قبر امام را به نمایش گذاشته بودند، اشاره می‌کند (Morier, 124: 1812). وی در سفرنامه دوم خود در وصف مراسم عاشورای شیعیان به محملی شبیه تابوت یا ضریح مزین به گوهر و سنگ‌های گرانبها اشاره می‌کند که دورادور آن را با شال‌های کشمیری پوشانده بودند و ۸ تن مرد آن را روی شانه‌های شان می‌کشیدند و بر سر ضریح دستاری گذاشته بودند. موریه این ضریح را «قبر پیغمبر» و دستار را مظهر عمامه ایشان معرفی می‌کند که احتمالاً مربوط به امام حسین (ع) بوده است (Morier, 1818: 103).

امروزه پس از گذشت سال‌ها، تعزیه در هند به صورت هنری زیبا درآمده است. تعزیه‌ها از نظر طرح و اندازه متفاوت هستند و هر شهر روایت خاص خود را دارد؛ به گونه‌ای که هر شخصی می‌تواند به آسانی تعزیه مردم دهلی را از اهالی لکنو، حیدرآباد و کلکته و شهرهای دیگر تمیز دهد. حتی دو نمایش از یک شهر، به ندرت به هم شبیه هستند. در هندوستان تعزیه‌های متنوعی وجود دارد. «تعزیه‌هایی که در طول سال برای «زیارت» نگهداری می‌شوند و به «ضریح» موسوم‌اند. ضریح‌ها را معمولاً از چوب و فلز زرتاب و نقره‌گون می‌سازند. هر «امام‌باره» (زیارتگاه) تاریخی، برای خود ضریحی مخصوص دارد. تعزیه را معمولاً از شاخه‌های نی، عاج، کاغذ و دیگر تکه‌های دست‌ساخت زیبای هنری می‌سازند. اندازه‌ها نیز متفاوت‌اند، بعضی کوچک و بعضی پنج تا شش متر بلندی دارند. از گندم و جو تازه سبزشده و گیاهان مشابه که سبب زیبایی بیشتر می‌شوند نیز استفاده می‌شود» (چلکووسکی، ۱۳۸۹: ۲۹۰).

«در برخی جاها در مسیر حرکت تعزیه از امام‌باره به کربلا، تعزیه‌گاه‌هایی (مانند تعزیه‌گاه حضرت گنج شکر) ساخته‌اند که دسته‌های حامل تعزیه در آنجا توقف و استراحت می‌کنند» (Llewellyn-Jones, 1985: 205).

امام‌باره یا امام‌بارا، به مفهوم «امام‌خانه»، بناهایی در سرزمین هند که شیعیان برای برگزاری مراسم مذهبی خاص خود در ماه محرم، در آن‌ها گرد می‌آیند. در روزهای سوگواری غالباً مرسوم بوده است که امام‌باره (یا امام‌بارا در تلفظ محلی) را چراغان کنند؛ چنانکه شوشتری (۱۲۲۰هـ/۱۸۰۵م) نوشته است، «امام‌باره آصف‌الدوله را با شمع و چراغ، آئینه‌ها و اسباب طلا و جواهر آذین می‌بستند» (شوشتری، ۱۳۶۳: ۴۸).

گاه در بیرون امام‌باره در گودالی آتش روشن می‌کنند تا نشانه آتش‌افروزی یزیدیان در خیمه‌گاه امام حسین^(ع) و یادآور ظلم آنان باشد. عبور از روی آتش (زغال‌های گداخته) با پای برهنه از جمله رسوم این سوگواری‌ها بوده است. برخلاف امام‌باره‌هایی چون آصفیه، همه امام‌باره‌ها دارای سرای «زنانه» نیستند و گاه در مواردی خاص در اختیار زنان قرار می‌گیرند (هالیستر، ۱۳۷۳: ۱۷۴).

اتاقکی آراسته که نماد تابوت امام حسین^(ع) است و در هند عموماً به آن «تعزیه» گفته می‌شود، مهم‌ترین وسیله برگزاری مراسم در امام‌باره به‌شمار می‌آید. امام‌باره همچنین دارای ضریحی ثابت (قبری نمادین) است که «کربلا» نامیده می‌شود (همان: ۱۷۲). دسته‌های عزاداری میان امام‌باره‌ها آمدوشد می‌کنند و درحالی‌که علم‌ها را به همراه دارند، «تعزیه» را بر روی شانه حرکت می‌دهند. «دو نوع تعزیه در شبه‌قاره هند به‌کار می‌رود؛ یکی موقت و دیگری دائم و همیشگی. تعزیه‌های همیشگی را معمولاً «ضریح» می‌نامند و در زیارتگاه‌هایی که امام‌باره، تعزیه‌خانه و عاشوراخانه می‌نامند، برای زیارت مردم نگه می‌دارند. هر یک از امام‌باره‌های بزرگ قدیمی، تعزیه یا ضریحی مخصوص به خود دارد» (Jeffri, 1979: 54).

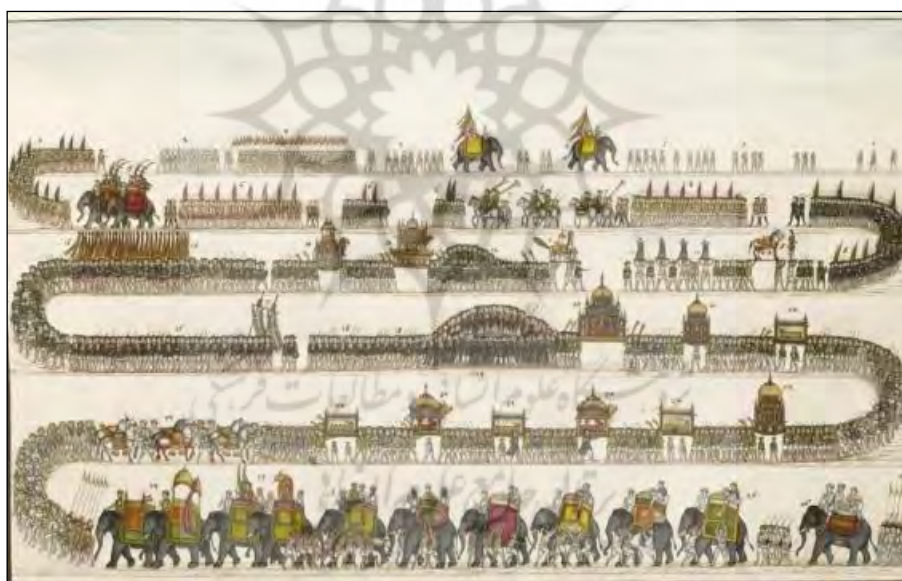
«ضریح‌های دائم، مظهر و نمادی از ضریح امام حسین^(ع) در کربلا به‌شمار می‌آید و شیعیان هند که دور از سرزمین مقدس کربلا زندگی می‌کنند و رفتن به کربلا و زیارت مرقد امام برای‌شان دشوار است، این ضریح‌ها را به نیت ضریح سالار شهیدان زیارت می‌کنند و برآورده‌شدن حاجت‌شان را از آن‌ها می‌طلبند» (همایونی و صباحی، ۱۳۸۲: ۹۷). «هر ساله در آغاز محرم، تعزیه‌های موقت را می‌سازند و در روز عاشورا آن‌ها را با علم‌هایی به محله‌ای معروف به کربلا می‌برند» (Llewellyn-Jones, 1985: 205). «در پایان مراسم ماتم روز عاشورا یا در روز اربعین امام حسین^(ع)، تعزیه‌ها را در گورستان‌های اطراف کربلاها به خاک می‌سپارند یا در چاه یا به رودخانه و دریا می‌اندازند» (Tritton, 1966: 87).

برخی از شیعیان هند تعزیه‌های خود را با خوشه‌های گندم یا جو نورسیده و گل و گیاه و انواع چراغ‌های روشنایی می‌آریند. مسلمانان مناطق کوهستانی هند تعزیه‌هایشان را با چوب شاخه‌های درختان کوهی می‌سازند و با برگ و گل گیاهان کوهی می‌پوشانند.

ایام محرم در هندوستان «تعزیه» و «ضریح» بخش عمده مراسم عزاداری را تشکیل می‌دهند. از اولین روز ماه محرم، همه عزاخانه‌ها را به طرز خاصی با علم‌ها، تعزیه و ضریح می‌آریند. مجلس

عزا در امام‌باره‌های بزرگ برپا می‌شوند. در بخش‌های بزرگ کشور غیرمسلمانان نیز در ایام محرم و اربعین تعزیه می‌گیرند و مجلس عزا برپا می‌کنند.

در هفتم محرم دسته‌های مهندی (ضریحی که نماد عروسی قاسم، پسر امام حسن و فاطمه کبری، دخت امام حسین در کربلاست) به راه می‌افتند که پشت سر آن‌ها ذوالجناح و عکرم‌ها حرکت می‌کنند. هرچند که دسته مهندی عملاً در هر کجای هند به راه می‌افتد، ولی در لنکو این عمل دارای زمینه خاص تاریخی است. این دسته طویل که شامل «تبرکات» (خوردنی یا شربت که به اشخاصی که در مراسم محرم حضور دارند، پیش‌کش می‌شود) نیز است، در قدیم توسط حکمرانان اوده رواج داده شد. قطارهای فیل و اسب‌های حامل بیرق سیاه و دسته موزیک نظامی نیز بر شکوه و زیبایی دسته می‌افزایند. دسته‌ها در خیابان‌های اصلی شهر به حرکت درمی‌آیند و هزاران نفر بدان ملحق می‌شوند (Hollister, 1979: 165).



تصویر ۱. قطارهای فیلان و اسبان حامل بیرق، مراسم محرم، هنرمند گمنام فیض‌آباد، هند، حدود ۱۷۷۲م، آلبوم کلنل ژان-پاپتیست ژانتیل، صفحه ۳۰، آبرنگ روی کاغذ، ۳۷×۵/۳۵ سانتی‌متر، موزه ویکتوریا و آلبرت، لندن.

در تمام طول شب دهم محرم مجالس مرثیه‌خوانی و نوحه‌خوانی در امام‌باره‌ها برپاست؛ به عبارت دیگر، نمایش «شب‌بیداری - شب‌زنده‌داری» است. در دهم محرم، تعزیه به صورت

دسته‌های مختلف ماتم (سینه‌زنی) و نوحه‌خوانی درحالی‌که ذوالجناح و علم‌ها پیشاپیش آن‌ها در حرکت‌اند، به سوی کربلاهای محل به حرکت درمی‌آیند. نزدیک عصر، تعزیه‌ها به این کربلاها می‌رسند و پیش از غروب آفتاب به خاک سپرده می‌شوند. پس از غروب آفتاب، «مجلس شام غریبان» برپا می‌شود. در لکنو مراسم عزاداری تا هشتم ربیع‌الاول ادامه می‌یابد. در خلال این مدت، دسته‌های تعزیه در تواریخ متفاوت که از قبل تعیین شده‌اند، مطابق با سنن قدیمی از امام‌باره‌ای به امام‌باره دیگر می‌روند.

«تعزیه‌هایی که در میان شیعیان هندوستان و در شهرهایی مانند لکهنو، حیدرآباد، کلکته، دهلی و... به‌کار می‌رود، از لحاظ شکل و شمایل با تعزیه‌های رایج میان شیعیان عراق فرق دارد. این تعزیه‌ها را معمولاً از چوب خیزران و مقوا و کاغذهای الوان و به‌صورت خیالی از روی گنبد و بارگاه و ضریح امام حسین^(ع) می‌سازند. بلندی تعزیه‌های بزرگ گاهی به ۵ تا ۶ متر می‌رسد. این تعزیه‌ها را با کاغذهای نقره‌ای و طلایی روکش می‌کنند و با آبنوس یا عاج و حتی نقره و کاغذهای رنگارنگ و چیزهای دیگر تزیین می‌کنند» (Ibid: 166).

۶- روضه‌خوانی

روضه‌خوانی از مراسمی است که با تعزیه ارتباط دارد و بخشی از متون نمایشی آن را نیز شامل می‌شود و در مرثیه امامان و معصومین^(علیهم‌السلام) و سادات خوانده می‌شود. این شیوه بیانی (روضه‌خوانی)، قرابت نزدیکی نیز با مرثیه‌خوانی‌های فرهنگ اسطوره‌ای نیز دارد که کم‌کم وارد فرهنگ عزاداری شیعی شده است.

در زمان صفویان با رسمیت‌یافتن تشیع به‌عنوان مذهب رسمی کشور، روضه‌خوانی رواج یافته و در مجالس و مراسم درباری و حرم‌خانه‌های شاهی نیز برپا می‌شده است. روضه‌خوانی بیشتر بر پایه ادبیات غنایی-مذهبی بوده و سوزوگدازهایی که با عکس‌العمل‌های احساسی و هیجانی در قبال ستم‌هایی است که در حق اهل بیت و امامان^(علیهم‌السلام) روا شده است.

به‌لحاظ ادبی نیز اشعار کلاسیک قوی در به‌تصویرکشیدن حالات و احوال شهدای اسلام به‌ویژه شهدای کربلا در تاریخ ادبی ایران نیز به رشته تحریر درآمده است. «با قدرت‌یافتن مذهب شیعه و استقرار آن به‌عنوان مذهب رسمی نیز تأثیر بسزایی بر ادبیات کلاسیک ایران نهاد. از آنجایی که شعر پیشتر دربای شده بود، در پی این دگرگونی، بر شهدا و اولیای شیعه تمرکز یافت. نمونه بارز این شاخه ادبی، مرثیه دوازده‌بند محتشم کاشانی است» (چلکووسکی، ۱۳۸۹: ۳۳۶).

مهم‌ترین کتاب در باب مصایب و شهادت امام حسین (ع) با عنوان «روضه‌الشهداء یا بهشت شهیدان» در سال (۱۰۵۱هـ.ق) توسط حسین واعظ کاشفی به تحریر درآمد. این اثر شرح سوزناکی است از شهادت امام حسین (ع) در واقعه کربلا و نیز مصایب دیگر شهدای شیعه. این کتاب باعث پیدایش نوع تازه‌ای از روضه‌خوانی شد. دو سده و نیم بعد، به واسطه آن، اشعار غنایی و متون نمایش‌های تعزیه به هم بافته شدند.

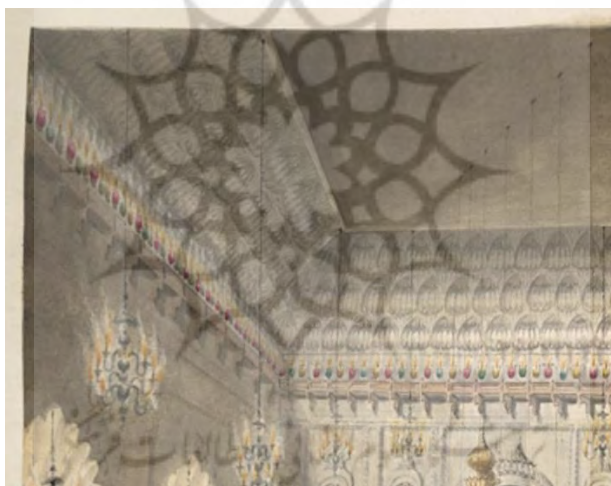
شیعیان هند نیز تحت تأثیر شیوه روضه‌خوانی ایرانی و به‌ویژه آشنایی‌شان با زبان پارسی، اشعار زیبایی سروده‌اند. مراسم روضه‌خوانی و نوحه‌خوانی از ایران به هند راه یافت. نوحه‌خوانی‌ها و نوحه‌سرایی‌ها در آغاز به زبان فارسی انجام می‌شد. علمای دین، بازرگانان، هنرمندان و شاعران هر از گاهی از ایران به هند مهاجرت می‌کردند و هند را موطن خویش قرار می‌دادند و باعث می‌شدند تا هندی‌های مسلمان تحت تأثیر فرهنگ و شیوه عزاداری آنان قرار گیرند. صوفیانی که به هند مهاجرت کردند نیز بر غنای آیین محرم و «تعزیه‌داری» افزودند و باعث اهمیت عزاداری شدند.



تصویر ۲. تعزیه (ضریح کوچک) در یک امام‌باره در کاخ راجای محمودآباد، محمودآباد، هند. تعزیه‌ها در هند زیارتگاه‌های کوچک و موقتی هستند که از کاغذ روشن و بامبو ساخته شده‌اند و صنعتگران آسیای جنوبی حداقل از قرن هجدهم شروع به ساخت آن‌ها کرده‌اند (www.journal18.org)



تصویر ۳. مراسم محرم و تعزیه‌گردانی در مرشدآباد یا کلکته هند، ۱۷۹۵-۱۸۰۵م، نقاشی آبرنگ روی کاغذ،
 موزة ویکتوریا و آلبرت، لندن (www.journal18.org) ۶۸×۳۹/۵ سانتی متر،



تصویر ۴. سینا رام، طرحی از داخل امام‌باره، لکهنو، هند، ۱۸۱۴م، آبرنگ روی کاغذ، ۳۲×۴۷ سانتی متر، کتابخانه
 بریتانیا، لندن (www.journal18.org)

۷- نتیجه‌گیری

تعزیه به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین مراسم نمایشی بیان احساسات دینی و سوگواره‌های آیینی در ایران و هند مورد احترام و علاقه بسیاری بوده است. سرچشمه این مراسم عزاداری عامیانه و مردمی که در سوگ امام حسین^(ع) و اهل بیت ایشان است، به مصائب واقعه عاشورا برمی‌گردد. تعزیه در ایران در قالب سوگواره نمایشی بوده که ترکیبی از عناصر هنری و ادبی دیگر نظیر:

شبه‌خوانی، روضه‌خوانی، موسیقی، آواز، نقاشی و سایرین است. این فرم از تعزیه از طریق مرادات و تبادلات فرهنگی، تجاری و مهاجرت شیعیان ایران در سده‌های گذشته، بر روی مسلمانان و به‌ویژه شیعیان هند تأثیر بسیاری گذاشته است و آنان نیز با تغییراتی در این آیین نمایشی نسبت به بومی‌کردن آن اقدام کرده و هر ساله آن را اجرا می‌کنند. تعزیه در هند تنها به آیین نمایشی اطلاق نمی‌شود، بلکه به ضریح‌های کوچک قابل حمل یا صندوق‌های تابوت‌واره نیز گفته می‌شود و دلیل آن را می‌توان در دوربودن هندیان مسلمان از کربلا و دسترسی نداشتن به بارگاه امام حسین (ع) و زیارت آن حضرت دانست. این ضریح‌ها به همراه اشیاء مقدس دیگر در بناهایی به نام امام‌باره که شبیه به امامزادگان در ایران است، نگهداری می‌شوند. این را نیز می‌توان به‌نوعی شبیه‌سازی از آرامگاه‌ها و بقاع متبرکه امامان و امامزادگان دانست.

۸- منابع

- ۱- الکهوندی، کمال (به کوشش)، المنجد. مذهب اللغات، لکنهو: چاپ استقلال، ۱۹۷۸.
- ۲- بلوکباشی، علی، نخل‌گردانی: نمایش تمثیلی از جاودانگی حیات شهیدان. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۰.
- ۳- تصدق، حسین، لکنهو کی دو تاریخی امام بادی، لکنهو: چاپ استقلال، ۱۳۶۵.
- ۴- جعفری، مرتضی و دیگران، واقعه کشف حجاب: اسناد منتشرنشده از واقعه کشف حجاب در عصر رضاخان. ویرایش ۲. تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳.
- ۵- چلکووسکی، پیتز جی، آیین و نمایش در ایران. ترجمه داوود حاتمی، چاپ دوم. تهران: سمت، ۱۳۸۹.
- ۶- چوهدری، شاهد، فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان اردو. تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۵.
- ۷- خدوم جمیلی، عباس، تعزیه در عراق و چند کشور اسلامی. چاپ اول، تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۵.
- ۸- رازی، فریده، نقالی و روحوضی. چاپ اول. تهران: نشر مرکز، ۱۳۹۰.
- ۹- رضوی، سید منظر عباس، نقش شاهان اوده در گسترش تشیع. سخن تاریخ، سال ۳، شماره ۷، صص ۱-۱۷، جامعه المصطفی العالمیه: زمستان ۱۳۸۸.

- ۱۰- شوشتری، عبداللطیف. *تحفة العالم*. به کوشش صمد موحد. تهران: انتشارات طهوری، ۱۳۶۳.
- ۱۱- شهیدی، عنایت‌الله؛ بلوکباشی، علی، پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی از آغاز تا آخر دوره قاجار در تهران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۰.
- ۱۲- فنائیان، تاجبخش. *تراژدی و تعزیه*. چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.
- ۱۳- هالیستر، جان نورمن. *تشیع در هند*. ترجمه آرمیدخت مشایخ فریدنی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۴.
- ۱۴- همایونی، صادق. *تعزیه در ایران*. چاپ دوم، شیراز: نوید، ۱۳۸۰.
- ۱۵- همایونی، صادق؛ صباحی، محمود، *دانشنامه جهان اسلام*. تهران: بنیاد دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۲.

- 16- Hollister, J. N., *The Shi'a of India*, London: 1979.
- 17- Jaffri, H. A., *Muharram Ceremonies in India, Ta'zieh: Ritual and Drama in Iran*, ed. P. J. Chelkowski, New York: 1979.
- 18- Liewellyn-Jones, R., *A Fatal Friendship*, Delhi: 1985.
- 19- Morier, J., *A Journey Through Persia, Armenia, and Asia Minor to Constantinople in the Years 1808 - 1809*, London: 1812.
- 20- Morier, J., *A Second Journey Through Persia, Armenia, and Asia Minor to Constantinople, Between the Years 1810 - 1816*, London: 1818.
- 21- Tritton, A. S., *Islam Belief and Practices*, London: 1966.
- 22- www.journal18.org/issue4/an-architecture-of-ephemerality-between-south-and-west-asia.